ترقه بازی تلخ در چهارشنبه سوری خونین داعش

**ساعت ده و سی دقیقه ی بامداد چهارشنبه هفده خرداد 1396 ، در خیابان « بهارستان » و بهشت زهرا ، میوه ی دخالت لجام گسیخته ی جمهوری اسلامی در منطقه برشاخسار درخت امنیت پادگانی ، رسید و با صدای انفجار در مقبره ی خمینی و مجلس در دامان داعش افتاد .  
 با انتشار اولین خبرها از حمله ی تروریست های داعش به مجلس و مقبره ی خمینی،می توان این طور گفت واکنش بیشتر مردم ایران ، ترکیبی از شوک و بهت و وحشت بود که حباب امنیت پادگانی و گورستانی ترکیده بود و اکنون مردم ما ، همانند بسیاری از مردم عادی سایر کشورها ، بی واسطه درگیر حادثه یی تروریستی شده بودند که ربطی به آنان نداشت و تلخی فاجعه یی را چشیدند که جان بی گناهانی را گرفته بود .   
 قبل از آنکه به بررسی علل حادثه–البته از نظر خودم– بپردازم، مایلم به دو نمونه رفتار حامیان حکومت و بسیاری از هموطنانم در جریان حملات تروریستی پاریس در 22 آبان 1394 برابر با 13 نوامبر 2015 بپردازم چون می خواهم از آن   
در ادامه نتیجه یی بگیرم . این یادآوری نه برای نمک پاشیدن به زخم تازه ی هموطنان ، که برای نشان دادن زشتی تصورات برخی و غیرانسانی بودن برخی دیگر از قضاوت هاست . که از حادثه ی دیروز تهران نیز مانند حادثه ی سال 2015 پاریس ، با 160 کشته بهره برداری و گروکشی سیاسی کردند و سعی داشتند از دل آن ، درستی نظرات شان درباره ی تاوان دادن غرب درین گونه حوادث را بیرون بکشند. هم خامنه یی و هم اصولگرایان پس از حملات مرگبار پاریس، ضمن محکوم کردن آبکی و همدردی شکلی با خانواده ی قربانیان و مردم فرانسه ،دولت های غربی را به سبب ناتوانی در پیشگیری از بروز این حملات مورد شماتت قرار دادند و این دولت ها را مسئول چنین اتفاقاتی دانستند؛در ادامه نمونه هایی از این اظهار نظرهای مقامهای رژیم را باهم مرور می کنیم :**

**محمد دهقان ، عضو وقت هیأت رییسه ی مجلس پس از حملات داعش به پاریس ، فرانسه ، آمریکا و انگلیس و . . . را به حمایت از داعش متهم کرد و گفت : « دود آتش فتنه ی داعش به چشم خود مردم اروپا و آمریکا می رود.» ابراهیم آقا محمدی،دیگر نماینده ی اصولگرای مجلس در مورد همین موضوع گفت :« روزی که فرانسه به همراه کاخ سفید و سایر حکام اروپایی ، داعش را به وجود می آوردند تا کشورهای اسلامی را ناامن کنند باید به این روز فکر می کردند.» اسماعیل کوثری، فرمانده و سردار سابق سپاه و نماینده ی مجلس آن روز مجلس ایران مدعی شد : « آمریکا و ترکیه و عربستان سعودی نیز باید در انتظار حوادثی مشابه پاریس باشند.» و با تحقیر و تمسخر اضافه کرد: « اگر دولت فرانسه نمی تواند امنیت مردم خود را در مقابل گروه داعش تامین کند، می تواند این کار را به مستشاران نظامی ایران بسپارد.» ( 1 ) و چنین نمک به زخم مردم فرانسه پاشید. وقیحانه تر و شرم آورتر از همه ، واکنش و تیترهای انتخابی روزنامه های « کیهان » و « وطن امروز » بود : کیهان تیتر زد : « سگ هار داعش پاچه ی صاحبش را گرفت » و وطن امروز شریرانه ترین تیتر را انتخاب کرد و نتوانست خوشحالی اش را از مرگ دهها انسان در فرانسه پنهان کند و چنین تیتری زد : « بفرمایید شام! ».**

****



**به عکس های این دو روزنامه ی ارزشی خوب نگاه کنید. کیهان نزدیک ترین مواضع را به مواضع خامنه یی دارد و در حقیقت بلندگوی رسانه یی خامنه یی ست. در بیشتر اتفاقات ، موضع و نگاه خامنه یی را می توان در سطرها و تیترهای کیهان دید و وطن امروز هم از تندروترین روزنامه های دست راستی تهران است ؛ وطن امروز را مهرداد بذرپاش، در حالی که فقط بیست و نه سال سن داشت و مدیرعامل یکی از دو شرکت خودروسازی بزرگ ایران – سایپا – بود ، در دوره ی دولت احمدی نژاد منتشر کرد و مواضع عریان و بدون روتوش باندهای قدرت را منتشر می کند . در این بین بسیاری از مردم عادی و هموطنان ما ، بجای محکومیت مخالفت قاطع با اینگونه حملات تروریستی ، ان قلت هایی شبیه همین تیترها را می آوردند و به دخالت فرانسه در لیبی و توهین مجله ی فرانسوی « شارلی ابدو » به پیامبر مسلمانان اشاره می کردند و از رنج مردم گرفتار سوریه و لیبی و . . در جنگ های داخلی می گفتند و به نوعی این حملات را توجیه می کردند یا آن را نتیجه ی رفتار غربی ها در طول تاریخ با مسلمانان می دانستند؛ همان زمان که از حضور نیروهای سپاه قدس در سوریه و عراق می گذشتند و حمایت های رژیم از گروههای شیعی را نادیده می گرفتند.**

**دیروز نیز، پس از وقوع حملات تروریستی تهران،واکنش اصولگرایان و هواداران شان در فضای مجازی ،کاملاً شبیه موضع گیری هایشان پس از حملات تروریستی پاریس بوده است ؛ درحالی که خون ریخته شده ی تعدادی از هموطنان مان ، هنوز روی زمین،گرم وتازه بود ،آنها این حملات را بهانه ی حملات شدید به دولت روحانی کردند و در کمال بی شرمی،مدعی شدند این حملات داعش،نتیجه ی انتقادات روحانی از نیروهای امنیتی درجریان کارزار انتخاباتی اش بودومنظورشان ،تسویه حساب با روحانی بود وُمردمی که به او رای داده بودند وآن قسمت از سخنان روحانی بود که سپاه را مانع از به نتیجه رسیدن برجام دانسته بود. آنها رذیلانه و در نهایت شقاوت و بی رحمی ، درحالی که تعدادی از هموطنان مان در این حملات، کشته و مجروح شده بودند ، با انتشار مطالب نیشدار ، نمک به زخم مردم می پاشیدند و درین راه حتی تا تمسخر دولت و مردمی که رای داده بودند و جوک ساختن پیش رفتند و درین راه هم به « آقا » یشان اقتدا کرده بودند و موضع « آقا » را می دانستند که همان « آقا » چند ساعت پس از پایان حملات در جمع دانشجویان دستچین شده اش ، در حالی که تن کشته شده گان هنوز گرم بود و کشور و مردم در التهاب ، هی لیچار بار دولت کرد و هی بسیجیانش هرهر و کرکر کردند انگار نه انگار که به پایتخت کشور حمله شده است. امروز که از جنایات دهه ی 60 و اوج بی رحمی و شقاوت ماموران و پاسداران رژیم، صحبت می شو ،شاید باور این درجه از شقاوت برای بسیاری از جوانان سخت باشد اما امروز با دقت در واکنشهای عده یی ، می توان به میزان بی رحمی آنان پی برد .آنها که امروز از مرگ هموطنان خود خوشحالند و از آن جوک می سازند ، ببینید با مخالفان خود در دهه ی 60 چه گونه رفتار می کردند.**

**به عنوان مشت نمومه ی خروار،توییت یکی از همین جماعت را می آورم تا به درجه ی نابکاری و نگاه تبعیض آمیز او و امثال او پی ببرید که در جامعه ی امروز ما ، کم نیستند کسانی که دیگران را برحسب اعتقاداتشان درجه بندی می کنند و آنان را شایسته ی داشتن حقوق انسانی می دانند یا نه ؛یکی از همین بسیجی ها که اتفاقا ظاهری موجه و امروزی دارد ودر فضای مجازی هم فعال است ، در روز حادثه و زمانی که هنوز درگیری ادامه داشت ، توییتی منتشر کرد و با انتشار آن ، مُهر تاییدی زد بر ذات بی رحم و شفقت وَ مملو از عقده و حقد و کینه اش نسبت به هرآن که متفاوت از او فکر می کند و درون تاریک و ذهنیت عصر حجری اش را هویدا کرد که از نظر او و امثال او و معلمان و اربابان او ، کسانی در این کشور ، حق زنده ماندن و زندگی دارند، که مانند آنها فکر کنند و سبک زندگی یی، مانند آنها داشته باشند. برای اینکه او را بشناسید نامش را می آورم ؛ سیده محدثه حسینی درباره ی فاجعه ی چهارشنبه ی تهران چنین توییت کرد : « آقا من میگم این 23 میلیونی که به روحانی رای دادند اگه قر و فراشون تموم شده بیان از مرزهای تهران دفاع کنن تا زبون ما یکم کوتاه بشه » . توییت او را بی کم و کاست آوردم. نگارش این خانم بسیجی نشان دهنده ی سطح سواد او نیز هست. گرچه بسیاری از هموطنان عزیز ما ، جواب دندان شکنی به این خانم ولایتمدار داده اند ، اما این را به عنوان نمونه یی از ذهنیت قسمتی از مردم در جامعه ی امروز ایران آوردم تا بدانید در ایران امروز ، هستند کسانی که به دلایل گوناگون چنین ذهنیت های مخرب و تاریکی دارند و در برابر رنج و درد سایر انسانها و هموطنانشان هیچ احساسی از همدردی و ترحم ندارند . برای امثال او ، کسانی شایسته ی همدردی و ترحم هستند که مانند او فکر کنند و ارزش هایی مانند او داشته باشند . برای امثال او ، همه چیز انگار در اثبات حقانیت خلاصه می شود ؛ آنها در هر حادثه و فاجعه یی ، دلایل درستی افکار و تحلیل های خود را می جویند و در این راه ، ابایی از این ندارند که حقایق و وقایع مسلم را نادیده انگارند و زیر بار توجیه هر جنایت و رذالتی بروند . برای آنها در موضع قدرت بودن و از موضع قدرت حرف زدن مهم است؛ اینکه در سایه ی چیرگی حکومتی مذهبی، هر صدا و اندیشه ی مخالفی را تهدید و تحقیر وتمسخر کنند و از سرکوب تمام صداهای منتقد، حقانیت عقاید و باورهایشان را نتیجه بگیرند و لاطائلاتی را که بلندگوهای تبلیغی جمهوری اسلامی منتشر می کند ، خواست و پسند عموم مردم جا بزنند و امثال خود را تمام مردم این کشور بدانند.**

**پس از این مقدمه ی طولانی به نقش جمهوری اسلامی در بروز چنین حملاتی می پردازم و ادعاهای حکومت را در توجیه دخالتش در عراق و سوریه و لبنان و یمن در حد خودم بررسی می کنم :**

**مدتها بود که بیشتر مردم ایران از حمایت حکومت از حزب الله و کمکهای مالی به آن باخبر بودند و هرکس در این زمینه شکی داشت ، سخنرانی 4 تیرماه 1395 سید حسن نصرالله ، هر شک و شبهه یی را در این زمینه از میان برداشت . او در این سخنرانی، در حضور سفیر رژیم در لبنان به صراحت گفت: « خیلی شفاف می گویم و هیچ چیز پنهانی وجود ندارد و همه ی دنیا بدانند تمام بودجه و پول و هزینه های ما،از خورد و خوراک و سلاح و موشک از جمهوری اسلامی میرسد همان سلاحهایی که با آن اسراییل را تهدید می کنیم. از امام امت حضرت امام خامنه یی، دولت ایران، رییس جمهور،علما به خاطر حمایت بی دریغ از ما در سال های گذشته تشکر می کنیم . » ( 2 ) قبل از این سخنان ، امثال این خانم در سطح جامعه و مسئولان رژیم و بوق های تبلیغاتی شان – همان طوری که در بالا به آن اشاره کردم - هیچ ابایی از دروغگویی درین زمینه نداشتند و منکراین کمک ها می شدند از منتقدان به خصوص در سطح جامعه، مدرک و سند می خواستند و حمایت رژیم از حزب الله را حمایتی معنوی و سیاسی می دانستند .**

**در سوریه نیز وقتی جنگ مغلوبه شد و نیروهای مخالف اسد به دروازه های دمشق رسیدند و شمارش معکوس برای سقوط اسد شروع شد ، جمهوری اسلامی تعارف را کنار گذاشت و با اعزام نیرو و سلاح ، رسماً در امور داخلی کشور دیگری دخالت کرد و برای نجات اسد از باتلاق سقوط ، هم پاسدارن و بسیجیان و یگان تکاور ارتش را به سوریه فرستاد و هم حزب الله را وارد جنگ سوریه کرد.در این مورد نیز واکنش مقامات رژیم و مزدوران ریز و درشتش در داخل و خارج ، همانند امثال این خانم، ابتدا انکار حقیقت بود. وقتی تشت رسوایی حضور نیروهای نظامی ایران در سوریه از پشت بامِ اقرار اسرا و تشییع جنازه های پی در پی در شهرهای مختلف ایران بر زمین افتاد ، آن ها نه تنها از رو نرفتند بلکه با فراموش کردن دروغ های گذشته ، فیل دیگری در آسمان استراتژی های بادکنکی شان هوا کردند : « استراتژی عمق استراتژیک » . استراتژی عمقِ استراتژیک ، آخرین تولید اتاقهای فکر امنیتی، برای توجیه حضور نظامی ایران در سوریه و مشروعیت بخشی به این حضور در ذهن عامه ی مردم بود ؛ این استراتژی کلید واژه یی همیشگی کنار خود داشت وُ آن ، « مدافعان حرم » بود .**

**ناگهان فضای رسانه یی ایران و به خصوص رادیو تلویزیون رژیم پر از کلماتی شدند مانند : « عمق استراتژیک » ، « تروریست های تکفیری » ، « مدافعان حرم » و . . . . رژیم و حامیانش مدعی شدند نیروهای ایرانی مشغول دفاع از حرمِ حضرت زینب در دمشق هستند هرچند نیروهای ایران دهها کیلومتر دورتر در حلب می جنگیدند . بوق های تبلیغاتی رژیم ادعا می کردند نیروهای ایران مشغول نبرد با نیروهای داعش هستند و درین راه تمام نیروهای مخالف اسد در هرجای سوریه را به مردم ایران ، در رسانه های خویش ، « تروریست های تکفیری » معرفی می کردند تا به حضور نامشروع خود در سوریه مشروعیت بخشند . رژیم و حامیانش مدعی شدند به مرزهای کشور ، عمق استراتژیک داده اند و در محل اصلی تولد داعش در عراق و سوریه می جنگند تا مانع از پیشروی و حضور نیروهای داعش در داخل کشور شوند. و همین چماقی شد در دست حامیان رژیم و امثال این خانم و بسیاری مردم عادی تا هر جا ، هر کسی سیاست های ماجراجویانه ی رژیم در منطقه و هدر رفتن میلیاردها دلار از ثروت مردم ایران را نقد می کرد ، آنرا به سرش بکوبند و مدعی شوند: « در عراق و سوریه می جنگیم تا در تهران امنیت داشته باشیم .» هر صدایی به مطالبه ی حقوق انسانی و اجتماعی و مدنی و شهروندی بلند می شد ، امثال این خانم ، خرابه های شهرهای عراق و سوریه و یمن را نشانمان می دادند و می گفتند سیاست های رژیم درست است که در کشور امنیت داریم و الان زمان طرح این مطالبات نیست ، اگر کسی از اوضاع بد اقتصادی و رکود فزاینده و بیکاری گسترده در داخل کشور حرف می زد و می گفت اگر این همه سرمایه که در منطقه هزینه ی سیاست های حکومت می شود، در داخل ، صرف سرمایه گذاری شده بود ، الان وضع بیکاری بهتر شده بود ، باز امثال این خانم به میان آمده ، مدعی و طلبکار امنیتی می شدند که از صدقه سر رژیم و مدافعان حرم داریم و اگر این پول ها را در آن جا خرج نکنیم ،مجبور می شویم در تهران با داعش بجنگیم و خلاصه، جواب هر انتقادی یک چیز بود: « عوضش امنیت داریم » که دیگر این آخریها تبدیل به جوک شده بود . و حالا حاصل آن همه توجیهات مسخره و تمسخر و تحقیر سایر کشورها و فرستادن مستشاران نظامی به فرانسه برای تامین امنیت فرانسه شده است حمله ی روز روشن داعش به مجلس و مقبره ی خمینی و کشته شدن 12 نفر و زخمی شدن 42 نفر دیگر ؛ حباب امنیت پادگانی ترکیده است و حامیان داخل و خارج رژیم در گیجی شدت ضربه، به هرخس و خاشاکی چنگ می اندازندو یادشان رفته است چطور برای مردم رجز امنیت می خواندند و امنیت پادگانی وگورستانی راتوی سر مردم می زدند و در جواب اعتراض منتقدان به هدر دادن سرمایه های کشور در عراق و سوریه و یمن ، از« عمق استراتژیک» حرف می زدند.**

**به نظر من پیدایش و قدرت گرفتن داعش،محصول مستقیم سیاستهای جمهوری اسلامی در منطقه در طی38 سال گذشته است ؛ نتیجه ی سیاست ماجراجویانه ی « صدور انقلاب » که از روزهای اول به قدرت رسیدن خمینی، توسط رژیم تا امروز دنبال شده است ؛ به وجود آوردن گروههای شیعه در منطقه و حمایت مالی و نظامی از آنها ، موجب تحریک و احساس خطر کشورهایی چون عربستان و قطر شد. تلاش برای بی ثبات کردن منطقه، امروز دامان خود رژیم را نیز گرفته است و این را یکبار برای همیشه بگویم: پیشبرد و ادامه ی این سیاستها برای سران رژیم و آدمهایش هیچ خطری ندارد ؛ آنها و فرزندان و خانواده هایشان درکاخهایشان نشسته اند و هزینه ی ماجراجویی ها و سیاست های ایدئولوژیک شان را مردم عادی باید با جان خود بپردازند. تلاش رژیم برای بی ثبات کردن لبنان نتیجه داد ؛ ایجاد حزب الله و وارد کردن آن در معادلات قدرت در لبنان و تسلیح و تامین مالی آن از سوی رژیم باعث شده است که امروزه حزب الله ، بازوی رژیم در اجرای اهداف منطقه یی اش و حافظ منافع آن باشد؛ منافعی که برآمده وساخته و پرداخته ی باورهای ایدئولوژیکی ست که توسط خمینی وخامنه یی در طول این سالها تبیین شده است.**

**اشتباه مهلک آمریکا در حمله و سپس ترک عراق ، آن فرصت طلایی را به رژیم تقدیم کرد که بیش از دو دهه در پی آن بود ؛ و آن صدور انقلاب به عراق و حضور نیروهای رژیم و ایادیش در آن کشور بود . رژیم در عراق گروههای مختلفی را تحت عناوین گوناگون تشکیل داد و از آنها حمایت مالی و تسلیحاتی نمود و از همه مهم تر آن ها را تغذیه ی ایدئولوژیک کرد؛از آن جمله می توان به کتائب حزب الله و عصائب اهل حق اشاره کرد که ریشه ی همه ی آنها به «سپاه بدر» برمی گردد . « سپاه بدر » در ابتدای دهه 60، توسط مجلس اعلای اسلامی عراق در ایران و تحت نظارت سپاه پاسداران ، برای جنگ با عراق تشکیل و تجهیز شد بازماندگان سپاه بدر ، امروزه سران گروه های مختلف دست ساز رژیم هستند . حمایت روزافزون رژیم از این گروه ها و سیاست فرقه گرایانه ی رژیم در عراق ، اندک اندک موجب نارضایتی و اعتراض سنی ها شد . سپس گروه های سنی و سلفی با حمایت عربستان و قطر کم کم پاگرفتند و قدرتمند شدند . از دل این نارضایتی ها و برخوردهای فرقه گرایانه ی نیروهای طرفدار رژیم و حمایت مادی و معنوی عربستان ازین گروه ها و جنگ ها و کشتار فرقه یی بین شیعه و سنی ، و در خلاء قدرت در عراق ، ناگهان داعش مانند هیولایی سر برآورد و دولت اسلامی عراق و شام را تشکیل داد.**

**سربرآوردن داعش با نا آرامی های سوریه و شکست های پی در پی ارتش اسد همزمان بود.داعش از خلاء قدرت مرکزی در عراق و سوریه نهایت استفاده را برد و بر بخش وسیعی از عراق و سوریه مسلط شد و با جذب نیرو از همه جای جهان و استفاده ی گسترده از شبکه های اجتماعی به تهدید جهان و اجرای عملیات تروریستی در سراسر دنیا پرداخت.**

**تمام اینها را نوشتم تا گفته باشم سیاست های ماجراجویانه و فرقه گرایانه ی رژیم در برآمدن داعش نقش مهمی داشته است ؛ ماجراجویانه از آن جهت که رژیم قصد داشت علاوه بر صدور انقلاب اسلامی خود به آن سوی مرزها ، با ساختن حزب الله در مرز لبنان و اسراییل ، تهدیدی همیشگی را بالای سر بزرگترین دشمن ادعایی خود نگه دارد و برای حفظ این تهدید همیشگی، می بایست در دمشق دولتی کاملاً همسو با سیاست هایش حاکم باشد . این گونه شد وقتی مخالفان اسد به دروازه های دمشق رسیدند ، جمهوری اسلامی رسماً وارد جنگ شد . ورود رژیم به جنگ داخلی سوریه باعث تحریک کشور های سنی منطقه شد که از مخالفان اسد حمایت می کردند و بدینگونه سوریه تبدیل به صحنه ی جنگ نیابتی بین عربستان و ایران شد. و فرقه گرایانه از این جهت که رژیم با تسلیح و حمایت از گروههای شیعه در جنگ های داخلی عراق و سوریه و محدود کردن حوزه ی نفوذ سنی ها ، تلاش برای کوچ اجباری اهالی مناطق سنی نشین و تغییر ترکیب جمعیتی این مناطق ، از جهتی دیگر، بهانه به دست گروه های تندرو و سلفی همچون داعش داد تا در پوشش دفاع از سنی ها به جنگ رژیم بروند اعمال سیاست های رژیم در منطقه ، علت اساسی پیدایش و رشد گروه های سلفی دربرابر گروه های دست ساز رژیم است و درحقیقت ، گروه های سلفی همچون داعش بدیل گروه های تندروی شیعه یی هستند که برای صدور انقلاب ومبارزه با نظام سلطه – اصطلاح مورد علاقه ی خامنه یی به جای امپریالیسم - به دست جمهوری اسلامی ساخته شدند. اگر این سیاست ها و دخالت رژیم در مسائل داخلی منطقه نبود ، این درجه از دشمنی فرقه یی و نفرت پراکنی مذهبی و میل به نابودی ایران و ایرانی در بین مردم و گروه های سنی منطقه به وجود نمی آمد.**

**پس از بررسی اجمالی نقش رژیم جمهوری اسلامی ، در بوجود آمدن داعش که در نهایت ،به بروز حملاتی مانند روز چهارشنبه در تهران ختم شد درین جا به کانالیزه کردن واکنش های مردم پس از حمله ی داعش می پردازم و سپس سخنان خامنه یی را چند ساعت پس از فاجعه را بر می رسم و سعی می کنم نشان دهم او ، چنان است که طرفدارانش و طرفدارانش چنانند که خود او ؛ و شباهت رفتار آن خانم ولایتمدار- که در ابتدای نوشته آوردم- را با رفتار «آقا»یش خواهید دید که چه گونه هر دو بی هیچ احساسی ،فاجعه یی چنین را به طنز برگزار می کنند؛ مقلد خامنه یی،در توییت اش از قر و فر طرفداران روحانی می گوید و خامنه یی خود،کشته شدن مردم ایران را ترقه بازی می داندو در سخنرانی اش دولت روحانی را به سخره می گیرد تا پامنبری هایش هرهر و کرکر کنند. در ادامه ، به این موضوعات می پردازم :**

**هنوز چند ساعت از شروع درگیری نگذشته بود که واکنشهای مردم ، آگاهانه و عامدانه – به ویژه در فضای مجازی کانالیزه شد ؛ دلدادگان خامنه یی و مخالفان دولت ، این حادثه ی تروریستی را بهانه ی حمله به دولت کردند و برجام و وعده های روحانی را به تمسخر گرفتند که مدعی بود برجام ، سایه ی جنگ را از کشور دور کرده است. آنها مدعی شدند حمله ی روحانی به سپاه و نهادهای تحت نظر خامنه یی و در پیش گرفتن سیاست تعامل با جهان، موجب تضعیف امنیت شده است و همین ، موجب گستاخی و حمله ی داعش شده است. این در حالی ست که می توان گفت رییس جمهور و دولت ، در اداره ی نهادهای امنیتی و تعیین سیاست های کلان امنیتی ، کمترین نقش را دارند و تقریباً هیچ احاطه و اشرافی بر نهادهای امنیتی ندارند و سپاه و وزارت اطلاعات و . . . کاملاً تحت نظر خامنه یی اداره می شوند و خامنه یی به این هم بسنده نکرده است و با تشکیل سازمان اطلاعات سپاه، تمام امور امنیتی کشور را به آن سپرده است و حالا که وقت پاسخگویی و حسابرسی رسیده است ، رییس جمهور و دولتی مقصر معرفی می شوند که نه نقشی در اداره و تعیین مسئولان این نهادها دارند و نه نقشی در تعیین اهداف و سیاستگزاری های این نهادها . چند روز پیش از انتخابات ، در مقاله یی با عنوان « لولو سر خرمن ؛ استراتژی جدید اصلاح طلبان » به صراحت به این موضوع اشاره داشتم که رییس جمهور در نظام اسلامی،در تعیین سیاست های کلان نقشی ندارد و به همین سبب با رای دادن و انتخاب فردی خاص ، نباید منتظر معجزه بود در آنجا نوشتم : « مشکلاتی چون محدودیت اختیارات رییس جمهور و این که در بسیاری از حوزه های سیاست داخلی و خارجی ، تصمیم گیرنده کس دیگری است . . . » . اما با همه ی اینها ، مخالفان دولت ، روحانی و دولتش را مسئول وقوع این حمله ی تروریستی معرفی می کنند . امثال این خانم ، بی اعتنا به خون هموطنان شان ، از این فاجعه برای جبران شکست در انتخابات و عدم اقبال مردم به نامزد شان سواستفاده می کنند و مزورانه زیر نقاب های دلسوزی ، شاد و خوشحالند . ماهیت آنها در برخورد با مسائل یکی است ؛ می خواهد حادثه در پاریس باشد یا تهران ، از هر دو برای تسویه حساب با مخالفان فکری و سیاسی خود استفاده می کنند .**

**در آن سو ، بوق های تبلیغاتی دولت و حامیانش و انبوه مردمی که همین سه هفته ی پیش به روحانی رای دادند ، با دعوت به همدلی و کنار هم بودن و کنار گذاشتن اختلافات و از همه مهمتر اتحاد سعی دارند از این حادثه برای بسیج کردن عموم مردم ، پشت سر دولت و صدالبته نظام استفاده کنند و با یادآوری جنبه های غم انگیز این فاجعه ، جلوی تهاجم رقیب بایستند. آنها به جای اتخاذ سیاست تهاجمی در برابر باندهای قدرت و نزدیکان خامنه یی و هوادارنشان ، طبق معمول اصلاح طلبان ، موضع دفاعی گرفته اند و با انفعال در برابر اتهامات رذیلانه ی اصولگرایان ، عملاً زمینه ی پذیرش این اتهامات را از سوی مردم فراهم می کنند و آنان را برای حملات بعدی جری تر می کنند . آنان به جای آن که برای مردم ،کاملاً روشن کنند دولت و رییس جمهور عملاً هیچ نقشی در امور امنیتی کشور ندارند و غیر مستقیم ، مسئولیت را متوجه خامنه یی و باندهای قدرت کنند ، در همان خطی بازی می کنند که رقیب می خواهد.علاوه براین، باید به این نکته هم توجه داشت :دولت روحانی در ادامه ی سیاست منطقه یی رژیم ، تامین کننده ی بودجه و امکانات برای ادامه ی دخالت ایران در کشورهای منطقه است. بنابراین دولت روحانی را نیز می توان شریک سیاست هایی دانست که منجر به حمله ی داعش به تهران شده است . آنها به مردم می گویند : اکنون موقع فراموشی انتقادات وُ موقع اتحاد است . موقع دردسر وُ فشار وُ تحریم وَ تظاهرات و انتخابات و جنگ و گرسنگی وُهر نکبت دیگر ما «مردم» هستیم و باید متحد باشیم اما زمان درخواست حقوق و مطالباتمان ، می شویم مشتی اجنبی پرست وفتنه گر و منافق و محارب و هزار عنوانِ تحقیرکننده ی دیگر که لایق سینه ی دیواریم و مشتی گلوله یا مشتِ گلوله شده بر تخت سینه تا شاید حیات متعفن این نظام ارتجاعی چند روز بیشتر ادامه یابد .**

**رژیم آگاهانه موفق شد واکنش های مردم را کانالیزه کند ؛ انتقاد شدید از دولت و ناکارآمدی آن از سوی منتقدان دولت از یک سو و دعوت به همدلی و فراموشی اختلافات و اتحادِ طرفداران دولت در سوی دیگر. و این باعث شد کمتر کسی به موضوع و علت اصلی بپردازد که همانا نقش رژیم در وقوع این حملات بوده است . رژیم با دامن زدن به نا امنی و بحران در منطقه ، علاوه بر رسیدن به اهداف منطقه یی اش ،همواره از این موضوع نیز سود برده است که حکومت های غربی در چنین منطقه ی پر آشوبی به هیچ وجه زیربار تغییر رژیم در ایران نمی روند و حاضر نمی شوند پس از لیبی و عراق و سوریه ، ایران نیز به محل تاخت وتاز تروریست ها تبدیل شود و این یعنی عدم حمایت از حرکتهایی که برای براندازی رژیم انجام می شود – مانند عدم حمایت از جنبش مردم در سال 1388 – که به معنای ادامه ی سیطره ی نظام اسلامی با تمام جناح ها و دسته هایش بر ایران است .**

**در هیاهوی انتشار اخبار حمله ی تروریستی در تهران و واکنش مردم ، مسئله ی مهم دیگری نیز در حاشیه قرار گرفت و آن ،این که حکومت مدت ها به بهانه ی تامین امنیت در داخل و استراتژی عمق استراتژیک ،حضور نظامی اش را در سوریه توجیه می کرد و اکنون که همان امنیت هم از دست رفته ،باید پاسخگوی مردم باشد .و در این راه ، همه ی کسانی که مدافع و مبلغ این استراتژی بودند امروز باید به خاطر دفاع از سیاست های چنین رژیمی شرم کنند.**

**باید به تمام آنها که « مدافعان اسد » را « مدافعان حرم » جا می زدند و آدمکشی چون قاسم سلیمانی را در قامت سردار – عارفِ ایرانی و وارث کوروش به مردم قالب می کردند ، نژاد پرستانی که از جنگ سردار ایرانی با اعراب می گفتند و او را حافظ مرزهای ایران می دانستند ، آن ها که مبلغ سیاست عمق استراتژیک بودند و مدافع تز « در سوریه می جنگیم تا در تهران امنیت داشته باشیم » و به شعار پرت « عوضش امنیت داریم » دلخوش بودند ، آن ها که جنگ با ارتش آزاد سوریه و سایر نیروهای سکولار را به دروغ ، جنگ با داعش و گروههای سلفی به مردم معرفی می کردند ، آنها که به بهای حفظ یک حکومت دیکتاتوری ، سوریه را به صحنه جنگ داخلی تبدیل کردند ، طراحان و بلندگوها و مدافعان این استراتژی در داخل و خارج کشور ،تمام تحلیلگران ارشد و میکروفون به دست ها تا آن مردم عادی و دوستان و آشنایان که از عمق استراتژیک دم می زدند و آن را توی سر ما منتقدان حکومت می زدند و منت به سر همه ی مردم ایران می گذاشتند ، شخص خامنه یی و نهادهای قدرت و فرماندهان سپاه قدس و در راس شان ، قاسم سلیمانی که عملاً وظایف وزیر امور خارجه را در منطقه انجام می دهد ، صدا وسیما و اصحاب رسانه که چنین دروغهایی را در بسته بندیهای شیک و زیبا به ناف خلق الله می بستند و بسته های خبری تحویل مردم می دادند ، خیل هنرپیشگانی چون پرویز پرستویی و سایرین که چهره ی قاسم سلیمانی را در مصاحبه های آن چنانی شان ، بزک دوزک می کردند ، انبوه سلبریتی هایی چون محمدرضا گلزار که با تعریف و تمجید از قاسم سلیمانی و توجیه سیاست های ویرانگر رژیم در منطقه و مرتبط کردن آدمکشی های رژیم در سوریه با وطن پرستی های تین ایجری ، برای رژیم و دَم و دستگاه و تیغ و قیچی سانسور وزرات ارشاد ، دُم تکان می دادند و درکافه های بالاشهر از مدافعان حرم حرف میزدند ، دولت روحانی که بودجه این سیاست های ماجراجویانه را تهیه می کرد ،تک تک نمایندگانی که به لایحه ی چنین بودجه هایی رای مثبت دادند و می دهند ،شخص جواد ظریف به همراه لبخندهای مکش مرگ مایش که جنایات خونین امثال قاسم سلیمانی را پشت لبخندهایش « تقیه » می کند و بر سر دنیا کلاه گشاد « خدعه » می گذارد و تک تک ایرانیانی که مدافع سیاست ها ی رژیم در منطقه بودند و هستند ،امروز ، بیش و کم مسئولند و باید جوابگوی اعمال خود باشند .**

**از لحظات اولیه ی وقوع حملات تروریستی در تهران ، موجی در کشور و به خصوص در فضای مجازی به راه افتاد با این مضمون ها که :« در کنار همیم » ، « زمان اتحاد است » و با توجیهاتی چنین ، می خواهند بگویند الان زمان مطرح کردن انتقادات نیست ،الان وقت انتقاد از سیاست های رژیم درمنطقه و نقش اش در وقوع این حملات نیست ،اما به نظر من ،همین امروز و در داغیِ این داغ که بر ما رفته است ،زمانی که تن های هموطنان به خون خفته هنوز گرم است ، همین امروز و همین الان باید به اصل موضوع و ریشه ی حادثه پرداخت . اکنون ، زمان پرداختن به معلول هایی چون سن و تعداد تروریست ها و لهجه و زبان و خاستگاه شان نیست . باید سراغ علت هایی چون سیاست « عمق استراتژیک » و « جنگ در سوریه ، امنیت در تهران » رفت و طراحان و مبلغان و مدافعان اش را به چالش کشید . اتفاقاً الان در گرماگرم حادثه ، موقعی ست که باید سیاست های جنگ طلبانه ی رژیم را زیر سوال برد و این رژیم را مسئول خون های به ناحق ریخته دانست ، باید به کسانی پرداخت که مسئولان اصلی این سیاست ها بودند و هستند و هنوز حاضر نیستند از خر شیطان پایین بیایند ، باید با مطرح کردن و انتشار این موارد ، پاسخگویی مسئولان رژیم را به یک خواست عمومی تبدیل کرد ؛ آنها که مرتب، امنیت گورستانی را توی سر ما مردم می زدند و بابت بدیهی ترین وظیفه ی یک حکومت– تامین امنیت- بر مردم منت می گذاشتند ،همان ها و همین ها ، امروز بیایند و به جای انداختن تقصیر به دوش دولت مصلوب الاختیاری که وزرایش را انتخاب نمی تواند کند ، جوابگوی ستایش های همیشگیِ دیروز و امروزشان از « برادران پاسدار » و « مدافعان حرم » و « بچه های وزارت اطلاعات » و امثال قاسم سلیمانی باشند که حباب امنیت شان ترکیده است و عمق استراتژیک ادعایی شان به دست وحوش داعش تا دل مجلس شورای اسلامی عقب کشیده شده است .**

**از اولین لحظات انتشار اخبار حمله ی وحوش داعش به مجلس و مقبره ی خمینی ، همه منتظر واکنش خامنه یی به عنوان شخص اول مملکت به این حادثه و عاملان و قربانیان آن بودند .معمولاً در چنین حوادثی درهمان ساعات اولیه ،شخص اول مملکت ، بر پرده ی تلویزیون ظاهر می شود و رو به مردم سخن می گویند و سعی می کنند آرامش را به جامعه برگرداند در ابتدای این نوشته به حادثه ی تروریستی پاریس اشاره کردم .ابتدا واکنش رییس جمهور فرانسه را به این حادثه می آورم و بعد ، در آخرین حمله ی تروریستی قبل از تهران ، واکنش نخست وزیر انگلیس را می آورم و سپس به واکنش خامنه یی می پردازم : رییس جمهور فرانسه ، مقتدرانه در مقابل دوربین ها ظاهر شد و به ملت وحشت زده ی خود گفت: « این حملات در واقع اعلان جنگ است . » وی به مردمش وعده داد گروه تروریستی داعش را به زانو درآورد . ( 3 ) ترزا می نیز پس از حادثه ی تروریستی لندن در سخنانی گفت : « می توانم تایید کنم که حادثه ی وحشتناک لندن مانند یک اقدام تروریستی بالقوه در نظر گرفته می شود و با آن برخورد می شود . » ( 4 ) ملاحظه می فرمایید هر دوی این سخنان ، حاوی پیامی روشن به تروریست ها مبنی بر برخورد با آنهاست و پذیرفتن فاجعه و قول رسیدگی و برخورد . هرگاه این حملات تروریستی مانند پاریس شدید و با تلفات انسانی همراه باشد ، سخنان شخص اول مملکت ، حاوی همدردی با مردم و قربانیان است هم چنان که اولاند در فرانسه ، سه روز عزای عمومی اعلام کرد .**

**در ایران ، خامنه یی برای نشان دادن شدت عصبانیت خود از حمله ی داعش به تهران ، این فاجعه را « ترقه بازی » خواند . ( 5 ) او این سخنان را در دیدار با دانشجویان دستچین شده ی هوادار خود و تنها 6 ساعت پس از حملات بیان کرد . در حالی که داغ خانواده های قربانیان هنوز تازه بود ، او هیچ تسلیتی به خانواده های قربانیان نگفت و به جایش ، باردیگر به دولت روحانی حمله کرد و عملکرد و تلاش برای اجرا کردن وعده های انتخاباتی را مورد تمسخر قرار داد ؛ به خصوص آن جا که از تلاش وزیر ارشاد روحانی برای پخش دوباره ی « ربنا »ی شجریان از صدا و سیما گفت و با تمسخر آن ، باعث خنده ی جمع دانشجویان ولایتمدار شد . و درحالی که کشور بابت حمله ی تروریستی و کشته شدن هموطنانمان در بهت و عزا زده بود ، این تمسخر و خنده ی حضار بازهم تکرار شد . اما دادن عنوان «ترقه بازی» به حادثه یی که منجر به کشته شدن تعداد 12 نفر از هموطنانمان شد ، نه تنها تا کنون از سوی رهبران کشورهای درگیر این حملات بی سابقه بود ، بلکه موجب خشم بسیاری از مردم عادی ایران شد و با واکنش بسیار منفی و گسترده ی آنان همراه شد به طوریکه سایت خامنه یی در گزارش مفصل خود ، کلمه ی « ترقه بازی » را از متن سخنان وی حذف کرد . ( 6 ) به جز او علی لاریجانی ، رییس مجلس رژیم نیز همان روز این فاجعه را « حادثه یی جزیی » توصیف کرد . خامنه یی نشان داد رفتار و پندار او و دلدادگان اش کاملا شبیه به هم است و در بسیاری مواردی مانند این ، حتی نیازی به موضع گیری رسمی او نیست و قبل از او ، آن ها نزده می رقصند ، او عملا با اثبات این موضوع نشان داد که مانند همان خانمی که متن توییت اش را آوردم ، هیچ احساسی به قربانیان و مردم ایران ندارند و مانند رهبرشان از چنین فجایعی برای حمله به دولتی استفاده می کنند که مورد پسندشان نیست و این ، نه تنها در تاریخ می ماند بلکه برای هر کشور و فرهنگی ، شرم آور است .**

**علی لاریجانی-که خود قبلا پاسدار بود– این فاجعه را حادثه یی جزیی و خامنه یی آنرا ترقه بازی دانست ؛ راست می گویند. برای نظامی که به یک اشاره و نوشتن چند کلمه دریک حکم ، چهارهزار نفر را درعرض یک ماه بر دارهای شقاوت می کشند ، البته که کشته شدن 12 نفر، حادثه یی جزیی است و برای کسی که در خیابان « آذربایجان » در قصر و بارگاهش نشسته و سرش به گاو و گوسفند و سگ و خبیث خواندن رهبران سایر دولت ها گرم است ، وقتی صدای تیراندازی و انفجار از خیابان « بهارستان » و « بهشت زهرا » بلند شود ، فکر می کند چهارشنبه سوری زودرسی است که مردم در آن ، ترقه در کرده اند ؛ غافل آن که چهارشنبه هفده خرداد 1396 ، چهارشنبه سوریِ وحوش داعش بوده است که سورشان را به خون بی گناهان رنگین کرده اند .**

**محمدرضا کاف.کسرایی**

**شنبه بیستم خرداد 1396**

**توضیحات :**

**( 1 ) : واکنش اصولگرایان به حوادث پاریس :**

**https://www.radiofarda.com/a/f7-conservatives-see-links-between-claimed-west-support-of-isis-and-paris-attacks/27365703.html**

**( 2 ) : سخنان رهبر حزب الله درباره ی کمک های جمهوری اسلامی :**[**http://www.yjc.ir/fa/news/5665551**](http://www.yjc.ir/fa/news/5665551)

**( 3 ) : سخنان فرانسوا اولاند پس از حملات تروریستی پاریس :** [**http://www.yjc.ir/fa/news/5394879**](http://www.yjc.ir/fa/news/5394879)

**( 4 ) : سخنان ترزا می پس از آخرین حمله ی تروریستی لندن :** [**http://www.mojnews.com/8/161881**](http://www.mojnews.com/8/161881)

**( 5 ) : سخنان خامنه یی و ترقه بازی خواندن حملات داعش در تهران : https://www.radiofarda.com/a/f4\_khamenei\_slams\_isil\_attacks\_tehran\_iran/28534180.html**

**( 6 ) : حذف عبارت ترقه بازی از سخنان خامنه یی :** **https://www.radiofarda.com/a/f4\_khamenei\_slams\_isil\_attacks\_tehran\_iran/28534180.html**